

## بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی آزمون نقایص شناختی برای افراد بهنجار: یک مطالعه مقدماتی

\*سعید اکبری زردخانه: (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه روانشناسی تربیتی و تحولی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. akbari76ir@yahoo.com

فرشاد احمدی: کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مجتبی مهدوی: دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

این طرح با حمایت معنوی پژوهشکده شناختی صدرا وزارت دفاع انجام شده است.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

پذیرش اولیه: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۹

### چکیده

به دلیل اهمیت گسترده ارزیابی توانایی‌ها و همچنین نقایص شناختی در افراد بهنجار و آسیب‌دیده و استفاده از ابزار و آزمون‌های شناختی به‌عنوان مهم‌ترین بخش در ارزیابی شناختی و عصب‌شناختی در زمینه پژوهشی و درمانی، هدف پژوهش حاضر استانداردسازی ابزار نقایص شناختی در افراد بهنجار بود. روش پژوهش حاضر، از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی- ابزارسازی است. گروه نمونه مورد مطالعه، ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه سنندج بود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. یافته‌های تحلیل عاملی اکتشافی، نشان از وجود پنج عامل موجود در نسخه فارسی آزمون با ۲۹ آیتم بود. تحلیل آیتم‌ها و محاسبه ضرایب همگونی درونی و بازآزمایی ابزار نیز نشان از ویژگی‌های مناسب آیتم‌ها و عامل‌های استخراج شده است. تحلیل عاملی تاییدی نیز مدل پنج عاملی اصلی را تایید کرد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت آزمون نقایص شناختی از روایی و اعتبار مناسبی جهت سنجش نقایص شناختی در جامعه ایرانی برخوردار است؛ بنابراین از این آزمون می‌توان به‌عنوان ابزاری جهت سنجش نقایص شناختی در زمینه‌های پژوهشی و درمانی استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: آزمون نقایص شناختی، ابزار ارزیابی، تحلیل عاملی.

Journal of Cognitive Psychology, Vol. 5, No. 4, Winter 2018

## Standardization Persian Version of Cognitive Disability Test among Normal Individuals: A Preliminary Study

\* Zardkhaneh, S. A. (Corresponding author) Assistant Professor, Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Akbari76ir@yahoo.com

Ahmadi, F. MA in Clinical Psychology, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

Mahdavi, M. PhD Student in Psychology & Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran.

### Abstract

Because of importance the wide evaluation of abilities and disabilities cognitive in normal people and use tools and cognitive tests as the most important part of the assessment of cognitive and neurological in research and therapy, the aim of this study was to Standardization Persian version of Cognitive Disability Test among normal individuals. In regard to collecting data, method of the study was descriptive - instrument making one. 200 university students selected through purposive sampling from different schools of University of sanandaj, completed Cognitive Disability Test. The results of explanatory factor analysis showed there were five factors with 29 in items CD-Iranian version that had three items. Item analysis, internal consistency coefficient and test-retest demonstrated that the items and factors were satisfactory. Confirmatory factor analysis, also, confirmed the model with five factors. Therefore CD had a proper validity and reliability to measure Cognitive Disability among Iranian people. Thus, it can be employed as an instrument in related research and treatment.

**Keywords:** Cognitive disability scale, Assessment tools, Factor analysis.

## مقدمه

شناخت و توانایی‌های شناختی یکی از دانش‌هایی است که در چند سال اخیر توسعه‌ای قابل ملاحظه داشته است؛ شناخت<sup>۱</sup> مجموعه‌ای است از تمام توانایی‌های ذهنی و فرایندهای مربوط به دانش، توجه، حافظه کاری، قضاوت و ارزیابی، استدلال و محاسبات، حل مسئله و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، درک مطلب، تولید زبانی است (بلمبرگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

از مسائل و مشکلاتی که امروز در جوامع بهنجار به‌وفور دیده می‌شود و ناشی از آسیب‌های نورولوژیک و بیولوژیک هستند، ناتوانی‌های شناختی است. به‌گونه‌ای که هر سال ۱/۴ میلیون نفر دچار ناتوانی‌های شناختی و آسیب مغزی می‌شوند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). حدود ۵۰۰۰ نفر از افراد دارای ناتوانی شناختی و آسیب مغزی می‌میرند، ۲۳۵۰۰ نفر در بیمارستان‌ها پذیرش می‌شوند و ۱/۱ میلیون نفر پس از درمان از بخش‌های اورژانس مرخص می‌شوند. در کنار درمان‌های صورت گرفته هنوز در اتحادیه اروپا ۵/۳ میلیون نفر و ۷/۷ میلیون نفر در ایالات متحده با یک یا چند معلولیت ناشی از ناتوانی‌های شناختی رنج می‌برند (لانه لوییس، روت لند و والد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). ناتوانی‌های شناختی نیز در جامعه ایران در سال‌های اخیر فزونی یافته است و یکی از علل ازکارافتادگی افراد زیر ۲۴ سال شناخته شده است عدم توجه به ارزیابی شناختی در جوامع می‌تواند پیامدهای بسیاری را به همراه داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به افسردگی اساسی، اضطراب فراگیر، سوءمصرف مواد/الکل اشاره نمود. (ابراهیمی فخار، مشیری و زند، ۱۳۸۹).

در ویراست پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی<sup>۵</sup> اختلالات عصب‌شناختی شامل نقص‌های شناختی از جمله اختلال در حافظه، آهسته شدن پردازش اطلاعات، نقص در تمرکز و توجه، نقص در کارکردهای اجرایی، نقص در مهارت‌های ادراک بصری، نقص در سیالی کلامی، هوش کلامی و هوش کلی به‌علاوه نقص در خلق و شخصیت است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

از مهم‌ترین مسائل موردتوجه پژوهشگران و متخصصان در سال‌های اخیر توجه به ارزیابی توانایی‌های شناختی و به‌ویژه نقایص شناختی در جوامع عمومی و افراد بهنجار است.

به‌گونه‌ای که استفاده از ابزاری معتبر جهت ارزیابی جنبه‌های کلیدی توانایی‌ها و همچنین نقایص شناختی در جوامع بهنجار و جمعیت‌های عمومی نقش مهمی در شناسایی انعطاف‌پذیری شناختی و کنترل آن، هیجان و عمل دارد و برای زندگی روزمره بسیار حیاتی است و در درک کامل اینکه افراد چگونه در شیوه زندگی اقتصادی و اجتماعی تصمیم می‌گیرند با ارزیابی توانایی‌های شناختی‌شان مرتبط است (کان گاراتنام و اسبجرسن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷).

به همین دلیل استفاده از ابزار و آزمون‌های شناختی به‌عنوان مهم‌ترین بخش در ارزیابی شناختی و عصب‌شناختی ضروری است (موریتز<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). در میان ابزارهای مناسب در جهت سنجش توانایی‌ها و نقایص شناختی در افراد بهنجار، آزمون ناتوانی‌های شناختی یکی از برجسته‌ترین ابزارهایی است که توسط آدمویچ و هندرسون<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) طراحی گردیده و یک روش اصولی برای ارزیابی ناتوانی‌های شناختی-زبانی هم در افراد بهنجار و هم دار افراد دچار آسیب‌شناختی است. آزمون نقایص شناختی در درجه اول برای بیمارانی که دچار آسیب مغزی تروماتیک بودند طراحی شد اما بعدها از این آزمون برای افرادی که ناتوانی‌های خفیف شناختی داشتند و همچنین در افراد بهنجار مورد استفاده قرار گرفت. این آزمون شامل پنج خرده‌مقیاس ادراک و تمیز، جهت‌یابی، سازمان‌دهی، یادآوری و استدلال می‌باشد که هر کدام از این مقیاس‌ها دارای ریز خرده‌مقیاس می‌باشند که ۴۱ مجموعه آیتم‌ها و پاسخ‌های چندگانه<sup>۹</sup> دارد؛ و مواد تکلیف نیز به‌صورت محرک‌های دیداری و شنیداری می‌باشند که بر روی آزمودنی اجرا می‌گردند. آزمون نقایص شناختی مطابق با استانداردهای روان‌سنجی در ایالات متحده و کانادا تهیه گردید. فرم استانداردسازی متشکل از ۲۴۴ بیمار آسیب‌دیده مغزی از ۲۶ ایالات در کانادا و ایالات متحده و ۷۶ نفر از افراد بهنجار که تقریباً در یک دوره یک‌ساله آماده‌سازی شد. برای تهیه این آزمون از بسیاری از مدل‌های پردازش اطلاعات، توجه و مهارت‌های شناختی/زبان برای ارزیابی توانایی‌های شناختی پایه مورد استفاده قرار گرفت. از بسیاری نظریه‌های پایه و مفاهیم نظریه‌پردازان گوناگونی از جمله (باور<sup>۱۰</sup>، ۱۹۷۸؛ برونر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۶۴؛ کاس<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸؛ کلارک<sup>۲</sup>، ۱۹۷۳؛ گانگ و

6. Kanagaratnam & Asbjornsen

8. Adamovich & Henderson

8. Adamovich & Henderson

9. Testlets

10. Bower

11. Bruner

1. Cognition

2. Blomberg

3. American Psychiatric Association (APA)

4. Langlois, Rutland & Wald

5. Diagnostic and Statistical Manual Of Mental Disorders Fifth Edition (DSM- V)

توجه انتخابی<sup>۲۲</sup> و کنترل مهاری<sup>۲۳</sup>، کنترل تکانه<sup>۲۴</sup> و تغییر حفظ آمایت<sup>۲۵</sup> طراحی شده‌اند؛ و از آنجایی که آزمون برج لندن یکی از مولفه‌های کارکردهای اجرایی یعنی توانایی برنامه‌ریزی را در افراد مبتلا به صدمه قشر پیشانی می‌سنجد (شالیس، ۱۹۸۲) و گول و همکاران (۱۹۹۷) از این آزمون به علت اینکه فعالیت‌های برنامه‌ریزی را به صورت ذهنی و نه واقعی می‌سنجد و باعث شده که در روایی این آزمون بحث‌های به میان آید، انتقاداتی وارد نموده‌اند، آزمون عملکرد مداوم نیز از میان مولفه‌های کارکردهای اجرایی تنها توانایی سنجش برانگیختگی و توجه پایدار را دارد (بک و همکاران، ۱۹۵۶)، آزمون استروپ برای سنجش یکی از مولفه‌های محدود یعنی توجه انتخابی و بازداری پاسخ است و مبنای نظری این آزمون تنها نظریه توجه انتخابی و تئوری سرعت پردازش است (گلدبرگ و همکاران، ۲۰۰۵) و آزمون ویسکانسین نیز یکی از آزمون‌های دیگری است که تنها با استفاده از برخی محرک‌های دیداری یعنی ۶۴ کارت به سنجش برخی از مولفه‌های کارکردهای اجرایی یعنی استدلال انتزاعی، انعطاف‌پذیری شناختی، در جاماندگی و تغییر آمایه می‌پردازد (میراندا و همکاران، ۲۰۱۳). به علاوه آزمون برنامه‌ریزی واقعی<sup>۲۶</sup> (میتو و موریس، ۱۹۹۸) و آزمون مخزن (انبار)<sup>۲۸</sup> از جمله آزمون‌های مهم در حوزه سنجش ناتوانی‌های شناختی هستند که برای سنجش برنامه‌ریزی در دنیای واقعی و آسیب‌های مربوط به لب پیشانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که این آزمون‌ها نیز در سنجش سایر نقایص شناختی موجود در کارکردهای اجرایی ضعیف می‌باشند. همچنین پایایی این دو آزمون در اکثر پژوهش‌ها با ضعف بسیاری روبه‌رو بوده است، دستورالعمل واحد و مشخصی در جهت نمره‌گذاری و تفسیر ندارند و بیشتر بر اساس دانش و تجربه آزمایشگر می‌باشند (میتو و موریس، ۱۹۹۸). به‌طور کلی می‌توان گفت که این آزمون‌ها توانایی سنجش تعداد زیادی از مولفه‌های کارکردهای اجرایی را به صورت یکجا ندارند و اما بر اساس اظهارات آدمویچ و هندرسون (۱۹۹۲) آزمون نقایص شناختی آزمون قدرتمند در سنجش تعداد زیادی از مولفه‌های کارکردهای اجرایی است.

بریگس<sup>۳</sup>، ۱۹۷۹؛ کرای و بیگس<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰؛ موما<sup>۵</sup>، ۱۹۷۸؛ باریل - بورنستین<sup>۶</sup>، ۱۹۸۱؛ پیاز<sup>۷</sup>، ۱۹۶۹؛ شاو و کاتینگ<sup>۸</sup>، ۱۹۸۰؛ وتزل و سکار<sup>۹</sup>، ۱۹۸۲) استفاده شد. مقیاس‌های متفاوتی که در این آزمون وجود دارد برگرفته از آزمون‌های تشخیصی گوناگونی از جمله: آزمون زبان پریشی تشخیصی بوستون<sup>۱۰</sup>، آزمون استعداد یادگیری دترویت<sup>۱۱</sup>، آزمون تشخیص افتراقی زبان پریشی مینه‌سوتا<sup>۱۲</sup>، ارزیابی بالینی کارکردهای زبان<sup>۱۳</sup>، آزمون نام‌گذاری بوستون<sup>۱۴</sup>، سیالی واژگان برکوفسکی، بنتون و سپرین<sup>۱۵</sup> درک خواندن باتری برای زبان پریشی<sup>۱۶</sup> و آزمون‌های غیراستاندارد توجه، حافظه فوری، حافظه کوتاه‌مدت، سازمان‌دهی زبانی و حل مسئله می‌باشد (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲). در ارتباط با ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار می‌توان اظهار داشت که همبستگی درونی بین خرده‌مقیاس‌های ابزار نقایص شناختی به‌طور معناداری در دامنه بین ۰/۵۳ تا ۰/۷۴ توسط آدمویچ و هندرسون (۱۹۹۲) گزارش شد. همچنین روایی همزمان این آزمون بخصوص با آزمون سطح رانچو بسیار مناسب ذکر شده است. قابلیت اطمینان درونی، ۰/۹۰ و بالاتر برای همه خرده‌آزمون‌ها می‌باشد. پایایی آزمون و باز آزمون در مقیاس استدلال ۰/۷۳ تا ۰/۸۹ برای مقیاس یادآوری است

از جمله آزمون‌های دیگری که در این حوزه و بخصوص کارکردهای اجرایی را می‌سنجد می‌توان به آزمون برج لندن<sup>۱۷</sup> (شالیس، ۱۹۸۰)، آزمون عملکرد مداوم<sup>۱۸</sup> (رازولد و همکاران، ۱۹۵۶)، آزمون استروپ<sup>۱۹</sup> (استروپ، ۱۹۳۵) و آزمون ویسکانسین<sup>۲۰</sup> (گران و برگ، ۱۹۴۸؛ به نقل از لازک، ۱۹۹۵) اشاره کرد که به ترتیب برای ارزیابی برنامه‌ریزی<sup>۲۱</sup>،

1. Case
2. Clark
3. Gange & Briggs
4. Kirby & Briggs
5. Muma
6. Barrill- Burnstien
7. Piaget
8. Shaw & Cutting
9. Wetzel & Squire
10. Boston Diagnostic Aphasia Examination (BDAE)
11. Detroit test of learning aptitude
12. Minnesota test of differential diagnosis of aphasia
13. Minnesota test of differential diagnosis of aphasia
14. Boston naming test
15. Borkowski benton and spreen word fluency
16. The reading comprehension battery for aphasia
17. Tower of london
18. Continuous performance test
19. Stroop test
20. Wisconsin Card Sorting Test (WCST)
21. Planning

22. Selective attention
23. Inhibitory control
24. Impulse control
25. Set maintenance & set shifting
26. Virtual Planning Test (VPT)
27. Miotto & Morris
28. The Bungalow task

پیشگیری، شناسایی جمعیت آسیب‌پذیر و به‌ویژه استفاده از آن در جمعیت بهنجار و طراحی مداخلات درمانی و آموزشی کاربرد فراوان دارد (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲)، از این‌رو در این پژوهش درصدد آن هستیم که این ابزار را که یکی از معتبرترین و پرکاربردترین ابزارها در جهت سنجش نقایص و توانایی‌های شناختی است (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲)، برای اولین بار در داخل کشور با توجه به فرهنگ داخلی و استفاده از نمونه‌ی ایرانی مورد هنجاریابی قرار دهیم.

## روش

### طرح پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف جزو پژوهش‌های تحقیق و توسعه و به لحاظ شیوه‌گردآوری داده‌ها در زمره پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۶).

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان سنندج تشکیل داد. حجم نمونه به‌صورت هدفمند شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان شهر سنندج بود. میانگین سه پژوهش پیشین صورت گرفته در این زمینه حجم نمونه این پژوهش را تعیین نموده است (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲).

### ابزارهای پژوهش

آزمون *نواقص شناختی*: این آزمون توسط آدمویچ و هندرسون (۱۹۹۲) ساخته‌شده و عملکردها را در پنج حوزه ادراک و تمیز<sup>۲</sup>، جهت‌یابی<sup>۳</sup>، سازمان‌دهی<sup>۴</sup>، یادآوری<sup>۵</sup> و استدلال<sup>۶</sup> را می‌سنجد. ابرازهای انجام آزمون شامل راهنمای دستور، برگه ثبت، مجموعه ۶۱ کارت محرک، نوار محرک و کتابچه محرک است. آیت‌های آزمون به‌صورت مجموعه‌ای از آزمون‌ها و آزمایش‌های کوچک و مجموعه آیت‌ها و پاسخ‌های چندگانه<sup>۷</sup> است که از آسان به سخت مرتب شده‌اند. خرده‌آزمون ادراک و تمیز شامل ۱۱، جهت‌یابی<sup>۲</sup>، سازمان‌دهی<sup>۴</sup>، یادآوری<sup>۵</sup> و استدلال<sup>۶</sup> ۱۱ آیت‌ها و پاسخ‌های چندگانه هستند.

در این آزمون آزمونگر بر اساس پاسخ‌هایی که آزمودنی به کارت‌ها و نوار محرک می‌دهد، نمره آیت‌های مربوط به هر

همچنین از نظریه‌های گوناگون، آزمون‌های تشخیصی متفاوت برای ساخت مقیاس‌های این آزمون استفاده‌شده و از محرک‌های دیداری و شنیداری مختلفی جهت سنجش بهره گرفته‌اند؛ بنابراین آزمون نقایص شناختی در جهت سنجش توانایی‌ها و نقایص شناخت و کارکردهای اجرایی مقیاس مناسب‌تری به نظر می‌رسد.

با توجه به روند رو به افزایش آسیب‌های مغزی در سرتاسر دنیا و اهمیت ارزیابی‌های شناختی در افراد بهنجار و آسیب دیده که در صورت عدم توجه به ارزیابی‌های شناختی می‌تواند اختلالات روان‌شناختی گوناگونی از جمله افسردگی اساسی، اضطراب فراگیر، سوءمصرف مواد/الکل را به همراه داشته باشد (ابراهیمی فخار، مشیری و زند، ۱۳۸۹) و از آنجایی که ابزارها خط مقدم در پیشگیری و درمان مشکلات افراد می‌باشند، ضروری است که ابزارهای هماهنگ با فرهنگ کشور هنجاریابی گردد و به‌صورت همه‌جانبه‌تر به ارزیابی نقایص شناختی از جمله (ادراکات، زبان، یادگیری، حافظه، توجه، خلاقیت، حل‌مسئله، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری) پرداخته شود (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲) و بر خلاف اکثر آزمون‌های شناختی دیگر از جمله (ویسکانسین، استروپ، مخزن انبار و برنامه‌ریزی واقعی)، ابزار نقایص شناختی، ابزاری است که از زندگی و عمق زندگی فرد بیشتر سؤال می‌کند، اکثر حوزه‌های کارکردی اجرایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حساسیت بالایی نسبت به سنجش آسیب را داراست، نمره‌گذاری دقیق و موشکافانه‌ای انجام می‌دهد، همچنین آیت‌های گوناگون و ابزارهای سنجش شنیداری و دیداری متنوعی در آن گنجانده شده است (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲).

به علاوه کاربرد بسیاری برای تشخیص و درمان بیماران مبتلا به آسیب مغزی و عصبی با نقایص شناختی اولیه در قسمت راست مغز، تومور مغزی، بی‌اشتهایی عصبی و ضایعات قشری مغز دارد و همچنین اطلاعات مفیدی در مورد انواع توانایی‌های مربوط به حافظه و بسیاری از اختلالات مرتبط با اختلالات عصب‌شناختی ارائه می‌دهد (واینر و کیلی<sup>۱</sup>، ۱۹۷۸)؛ و به سبب اهمیت آن در مطالعات روان‌شناختی و عصب‌شناختی و وجود ویژگی‌های مناسب روان‌سنجی در مطالعات انجام‌شده (آدمویچ و هندرسون، ۱۹۹۲).

بنابراین این ابزار در مطالعات پژوهشی و بالینی مربوط به

<sup>2</sup>. Perception and discrimination

<sup>3</sup>. Orientation

<sup>4</sup>. Organization

<sup>5</sup>. Recall

<sup>6</sup>. Reasoning

<sup>7</sup>. Item sets and multiple response item

<sup>1</sup>. Wainer & Kiely

توضیح فرآیند پژوهش به شرکت‌کننده‌ها، آزمون پژوهش را اجرا نمود. در طول مدت پاسخ‌دهی شرکت‌کننده‌ها، پژوهشگر حضور فعال داشت تا از بروز پاسخ‌های تصادفی (پاسخ‌دهی سریع و بدون تمرکز، اتمام زودتر از موعد مقرر) جلوگیری نماید. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اقدام ورود آن‌ها در نسخه بیست و چهارم نرم‌افزار بسته آماری علوم اجتماعی<sup>۳</sup> (شرکت اس پی اس اس، ۲۰۱۶) شد. پس از ورود داده‌ها، مرحله تحلیل اکتشافی داده‌ها (هوتل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ توکی<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷) انجام یافت

### یافته‌ها

گروه نمونه مورد مطالعه، ۲۰۰ دانشجوی دختر و پسر شهر سمنان (با میانگین سنی ۲۰/۰۸ و انحراف استاندارد ۱/۹۲) بودند. نیمی از گروه نمونه را دانشجویان دختر (۵۰ درصد) و نیمی دیگر را دانشجویان پسر (۵۰ درصد) تشکیل می‌دادند. مقطع تحصیلی کلیه دانشجویان گروه نمونه، کارشناسی بود. در طی فرآیند تحلیل آیت‌ها بررسی نمودار ستونی درصدی، شاخص‌های مربوط به کجی، کشیدگی، ضرایب تمیز و دشواری ۴۱ آیت مقیاس مدنظر قرار گرفت. در این مرحله، تمام آیت‌ها ضریب همبستگی مثبت با نمره کل مقیاس داشتند. این بدین معناست که در این حالت، اکثر آیت‌ها همسو با نمره کل مقیاس هستند. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در شرایط حاضر، ۰/۸۹ به دست آمد. بررسی آیت‌ها بر اساس هشت ملاک زیر نشان داد که تمام آیت‌ها کفایت لازم برای حضور در مقیاس را دارند. قاعده اتخاذ شده برای حذف آیت‌ها، مشکل‌دار بودن هریک از آن‌ها در پنج ملاک از هفت ملاک مدنظر بود. ملاک‌ها عبارت بودند از: الف) انحراف استاندارد کمتر از ۰/۵، ب) نمره استاندارد کجی بالای ۱، پ) نمره استاندارد کشیدگی بالاتر از ۱، ت) ضریب همبستگی نمره آیت با نمره کل مقیاس کمتر از ۰/۱۰، ث) مجذور ضریب همبستگی چندگانه پایین‌تر از ۰/۳۰، ج) ضریب آلفای کرونباخ پس از حذف آیت کمتر از ۰/۸۵ و چ) بیش از ۵۰ درصد از آزمودنی‌ها به یک گزینه پاسخ داده باشند. در ادامه، ۴۱ آیت باقی‌مانده جهت انجام تحلیل عاملی اکتشافی و بررسی ساختار درون مقیاس مورد استفاده قرار گرفت.

تحلیل عاملی اکتشافی: قبل از انجام تحلیل عاملی،

یک خرده‌آزمون را برای آزمودنی در برگیره ثبت می‌کند. نمرات آیت‌ها برای به وجود آمدن نمره‌ی مجموعه آیت‌ها و پاسخ‌های چندگانه جمع می‌شوند؛ و این نمرات نیز برای تولید یک نمره کل برای هریک از پنج خرده‌آزمون جمع می‌شود. حداکثر نمره در کل آزمون ۲۱۵، برای خرده‌آزمون ادراک و تمیز ۵۸، جهت‌یابی ۲۰، سازمان‌دهی ۳۰، حافظه ۵۲ و استدلال ۵۵ است. مدت‌زمان تکمیل کل آزمون تقریباً دو ساعت است. ضریب اعتبار درونی، در همه خرده مقیاس‌ها، بالاتر از ۰/۹۰ است. ضریب اعتبار بازآزمایی برای نمونه بیماران بین ۰/۷۳ (استدلال) تا ۰/۸۹ (یادآوری) حاصل شده است. روایی همزمان این آزمون مناسب ذکر شده است. در ضمن نتایج پژوهش نشان داده است پنج خرده‌آزمون این آزمون ۷۹/۲ درصد از شرکت‌کنندگان آسیب‌دیده و ۹۵/۷ درصد از شرکت‌کنندگان غیر آسیب‌دیده را درست طبقه‌بندی می‌کند (آدامویچ و هندرسون، ۱۹۹۲).

### شیوه اجرای پژوهش

به‌منظور تهیه و آماده‌سازی فرم فارسی آزمون ناتوانایی‌های شناختی برای افراد بهنجار از فن ترجمه‌ی مضاعف<sup>۱</sup> استفاده شد. ابتدا ابزار توسط پژوهشگر به‌صورت مستقل به فارسی ترجمه شد. مواد آزمون شامل (کارت‌های محرک، نوار کاست و کتابچه محرک و راهنمای آزمون) شبیه به نسخه اصلی شبیه‌سازی شد. پس از ترجمه متن تکلیف توسط پژوهشگر سپس توسط یک نفر متخصص ادبیات زبان فارسی، یک نفر متخصص زبان انگلیسی و دو نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بازبینی قرار گرفت و ایرادهای احتمالی رفع شد. در مرحله بعد، نسخه‌ی ترجمه‌شده توسط یکی از دانشجویان دکتری ادبیات زبان انگلیسی به‌صورت مجدد به انگلیسی برگردانده شد. پس از مطابقت نسخه‌ی ترجمه‌شده و نسخه‌ی اصلی، اشکالات موجود رفع و آزمون آماده بهره‌برداری گردید. قبل از اجرای اصلی، نسخه‌ی آماده‌شده در قالب یک مطالعه‌ی مقدماتی<sup>۲</sup> بر روی ۵ نفر از دانشجویان که به‌صورت نمونه‌برداری در دسترس انتخاب شده بودند، اجرا شد؛ و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۸۳ به دست آمد. هدف مطالعه‌ی مقدماتی، گرفتن بازخورد از شرکت‌کننده‌ها درباره‌ی دستورالعمل آزمون، درک محتوای سؤال‌ها و رفع ایرادهای احتمالی در گویه‌ها بود. پژوهشگر پس از کسب رضایت و

3. Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

4. Huel

5. Tukey

1. Double translation

2. Pilot study

جدول ۱- مؤلفه‌ها و مجموع مجذور بارگذاری حاصل از تحلیل مؤلفه‌های مقیاس ناتوانی‌های شناختی

عامل	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد تبیین واریانس تراکمی	ارزش ویژه
یکم	۸/۳۸	۲۵/۴۰	۲۵/۴۰	۸/۳۸
دوم	۱/۵۶	۳۰/۱۶	۴/۷۵	۱/۵۶
سوم	۱/۵۰	۳۴/۷۰	۴/۵۴	۱/۵۰
چهارم	۱/۳۵	۳۸/۸۲	۴/۱۱	۱/۳۵
پنجم	۱/۲۸	۴۲/۷۳	۳/۹۰	۱/۲۸

جدول ۲- یافته‌های توصیفی آیت‌ها و ضرایب همگونی درونی زیرمقیاس‌های مقیاس ناتوانی‌های شناختی در افراد بهنجار

مؤلفه	آیتم	میانگین	انحراف استاندارد	بار عاملی	ضریب آلفا با حذف	همبستگی آیتم با نمره زیرمقیاس	ضریب آلفا	
ادراک و تمیز	۵	۲/۰۹	۰/۸۶	۰/۳۱	۰/۴۵	۰/۳۵	۰/۵۱	
	۷	۲/۲۷	۰/۸۷	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۴۳		
	۸	۹/۸۵	۲/۱۵	۰/۳۵	۰/۵۴	۰/۲۸		
	۹	۴/۹۷	۰/۸۵	۰/۲۸	۰/۴۷	۰/۳۰		
	۱۰	۲/۴۳	۱/۵۸	۰/۴۴	۰/۴۵	۰/۳۰		
	بسیار	۱	۴/۵۲	۱/۶۱	۰/۲۵	-	۰/۳۷	۰/۵۲
		۲	۱۰/۸۳	۲/۲۲	۰/۴۲	-	۰/۳۷	
		۱	۵/۸۵	۱/۵۹	۰/۳۳	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۶۶
		۲	۴/۲۵	۱/۷۷	۰/۳۳	۰/۶۰	۰/۴۹	
		۳	۴/۱۸	۰/۸۹	۰/۴۲	۰/۶۲	۰/۳۸	
۴		۱/۶۲	۰/۴۸	۰/۳۸	۰/۶۲	۰/۵۲		
۵		۱/۶۳	۰/۴۸	۰/۳۶	۰/۶۲	۰/۵۴		
۶		۱/۲۴	۰/۹۰	۰/۲۵	۰/۶۱	۰/۴۲		
سازمان‌دهی	۸	۱/۴۰	۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۶۵	۰/۲۶		
	۱	۴/۹۹	۰/۸۶	۰/۳۰	۰/۷۳	۰/۳۸	۰/۷۵	
	۲	۴/۴۰	۱/۵۹	۰/۳۵	۰/۷۲	۰/۴۳		
	۳	۳/۱۴	۰/۸۹	۰/۴۱	۰/۷۱	۰/۵۶		
	۴	۲/۸۴	۱/۲۸	۰/۲۲	۰/۷۲	۰/۴۵		
	۵	۵/۱۷	۰/۹۸	۰/۵۳	۰/۷۱	۰/۵۱		
	۶	۲/۸۴	۱/۲۹	۰/۳۹	۰/۷۱	۰/۴۹		
	۷	۳/۰۷	۰/۸۴	۰/۲۶	۰/۷۳	۰/۳۶		
	۸	۵/۳۸	۰/۹۲	۰/۵۱	۰/۷۱	۰/۵۸		
	۹	۵/۶۱	۲/۰۷	۰/۳۹	۰/۷۶	۰/۳۶		
استدلال	۳	۱/۶۰	۰/۴۹	۰/۴۳	۰/۵۲	۰/۵۰	۰/۵۹	
	۴	۴/۰۸	۰/۸۵	۰/۴۵	۰/۵۷	۰/۲۶		
	۵	۳/۶۴	۱/۱۶	۰/۲۷	۰/۵۹	۰/۲۴		
	۶	۲/۰۶	۰/۸۸	۰/۲۲	۰/۵۲	۰/۳۸		
	۷	۴/۷۰	۱/۲۱	۰/۲۷	۰/۵۴	۰/۳۴		
	۸	۵/۲۰	۰/۹۸	۰/۳۳	۰/۵۱	۰/۳۸		

نتایج حاصل خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت. البته لازم به ذکر است که بررسی چولگی و کشیدگی به‌عنوان ملاکی برای انتخاب آیتم‌ها موجبات بهبود شرایط داده‌ها برای برقراری مفروضه حاضر بهینه‌تر کرده بود (تاباخنیک و فیدل، ۲۰۰۷). هم خطی بودن<sup>۴</sup> رابطه بین متغیرها نیز با متمرکز بر بررسی توزیع نمودار پراکنش دو متغیری آیتم‌های دارای کجی بالا انجام شد (تاباخنیک و فیدل، ۲۰۰۷). این نمودارها نشان

مفروضه‌های بهنجاری توزیع داده‌ها، خطی بودن روابط بین متغیرها، نبود داده‌های پرت، نبود هم خطی بودن و تکینی در داده‌ها و عامل پذیرگی ماتریس داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. به دلیل آنکه حجم نمونه حاضر برای تحلیل عاملی در حد عالی (کامری و لی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲؛ گاداگنولی و ویلکر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸) بود، لذا نیاز چندانی به بررسی بهنجاری توزیع متغیرها در آن وجود ندارد و حتی عدم بهنجاری توزیع برخی از متغیرها به

<sup>۳</sup>. Tabacchnick & Fidell

<sup>۴</sup>. Linearity

<sup>۱</sup>. Comrey & Lee

<sup>۲</sup>. Guadagnoli & Velicer

(جدول ۱)، مناسب‌ترین و ساده‌ترین ساختار برای این داده‌ها است. شایان ذکر است که این الگو پس از ۱۱ چرخش به دست آمد. لازم به توضیح است که برای نهایی کردن تعداد عامل، از نمودار صخره‌ای<sup>۷</sup> (کتل، ۱۹۷۸) و میزان ارزش ویژه عامل‌های استخراج‌شده بعدی موجود در این تحلیل استفاده شد.

بررسی نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد مؤلفه‌های یکم تا پنجم را می‌توان ادراک و تمیز، جهت‌یابی، سازمان‌دهی، یادآوری و استدلال نامید. جدول ۲ نشان می‌دهد که کلیه زیرمقیاس‌ها از ضرایب مناسب همگونی درونی برخوردارند و دامنه آن‌ها بین ۰/۵۱ (ادراک و تمیز) تا ۰/۷۵ (یادآوری) است. همچنین بررسی ضرایب همبستگی آیتم‌ها با زیرمقیاس‌ها نشان می‌دهد که این ضرایب بین ۰/۲۴ (آیتم ۵ از استدلال) و ۰/۵۸ (آیتم ۸ از یادآوری) است.

### بحث و نتیجه‌گیری

مؤلفان، شرایط و یا ویژگی‌های زیادی را برای یک آزمون قائل‌اند که این ویژگی‌ها را می‌توان در چهار ویژگی اصلی خلاصه کرد. اگر این چهار ویژگی در آزمون جمع شده باشد، می‌توان گفت که آزمون مناسب و قابل قبول است. این ویژگی‌ها عبارت هستند از: روایی، درجه‌بندی، اعتبار و استاندارد. از میان این چهار ویژگی، روایی و اعتبار دارای اهمیت بیشتری هستند. روایی عبارت است از اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه به‌طور واقعی. به عبارت دیگر، ابزارها زمانی دارای روایی هستند که آنچه را که مورد نظر است اندازه بگیرند. اعتبار نیز عبارت است از اعتمادی که می‌توان به نتایج یک آزمون که از کاربردهای متوالی آن حاصل می‌شود داشت (کارلسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹). نتایج مربوط به روایی سازه مقیاس ناتوانی‌های شناختی در افراد بهنجار با روش عامل‌یابی محور اصلی و چرخش واریماکس نشان داد این پرسشنامه مقیاسی چندبعدی بوده و عوامل پنج‌گانه ادراک و تمیز، جهت‌یابی، سازمان‌دهی، یادآوری و استدلال را می‌سنجد. این پنج عامل روی هم‌رفته توانستند، ۴۲ درصد از واریانس کل را تبیین کنند. یافته‌ها نشان داد مقدار شاخص‌های کفایت نمونه‌برداری ۰/۸۶ است، به نظر کیسر (۱۹۷۴) این مقدار از شاخص نمونه‌برداری در دامنه عالی قرار دارد. این یافته بدین معناست که مؤلفه‌های موجود در داده‌های مورد تحلیل به

دادند که روابط بین آیتم‌ها در اغلب موارد از نوع خطی و در موارد اندکی نزدیک به خطی است. لذا به دلیل بالا بودن حجم نمونه، چنین مشکلات جزئی بر نتایج حاصل تأثیرات بارزی نخواهد داشت. از سوی دیگر، غربالگری داده‌ها به منظور شناسایی ارزش‌های خارج از دامنه متغیرها و نمرات کسب‌شده توسط پاسخ‌دهندگان و حذف آن‌ها از مجموعه داده‌ها منجر به برقراری مفروضه نبود داده‌های کناری شد (تاباخنیک و فیدل، ۲۰۰۷). در ادامه، ضمن اطلاع از اینکه نیازی به تولید ماتریس معکوس<sup>۱</sup> در تحلیل مؤلفه‌ها وجود ندارد و در نتیجه هم خطی چندگانه مشکل اساسی برای انجام آن به شمار نمی‌رود (تاباخنیک و فیدل، ۲۰۰۷) به بررسی مجذور ضرایب همبستگی چندگانه آیتم‌ها پرداخته شد. به دلیل آنکه کلیه این ضرایب از ۰/۸۰ پایین‌تر بودند؛ نشانگر مضاعفی بر عدم وجود مشکل هم خطی چندگانه و همچنین تکینی<sup>۲</sup> در بین داده‌ها بود. همچنین به دلیل آنکه مقدار شاخص کفایت نمونه‌برداری کیسر-مایر-الکین<sup>۳</sup> (کیسر، ۱۹۷۴) به دست آمده برابر با ۰/۸۶ و شاخص آزمون کرویت بارتلت (کیسر، ۱۹۷۴) برابر ۱۸۷۸/۰۱۶ بود که با درجات آزادی ۵۲۸ در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود؛ نشان از غیر صفر بودن دترمینان ماتریس ضرایب همبستگی بین آیتم‌ها و قابلیت عامل‌پذیری ماتریس مربوطه داشت (تاباخنیک و فیدل، ۲۰۰۷). لذا در مجموع برقراری مفروضه‌ها انجام تحلیل عاملی مشخص و این تحلیل بر روی داده‌ها انجام شد.

انجام تحلیل عاملی اکتشافی روی ماتریس همبستگی پیرسون حاصل از داده‌های گروه نمونه با استفاده از روش عامل‌یابی<sup>۴</sup> ممکن، چرخش‌های گوناگون و محدودیت‌های متنوع روی تعداد عامل و میزان بارگذاری متغیرها نشان داد که روش عامل‌یابی محور اصلی<sup>۵</sup> و چرخش واریماکس<sup>۶</sup> با نرمال‌سازی کیزر و محدود کردن تعداد عوامل به تعداد ۵ و حداقل مقدار بارگذاری هر آیتم روی عوامل ۰/۲۰، منجر به استخراج عواملی می‌شود که دارای بیشتری همخوانی با ساختار نظری مقیاس ناتوانی‌های شناختی هستند. در پایان نتایج تحلیل عاملی نشان داد ساختار شش مؤلفه‌ای که در مجموع ۴۳ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کنند

1. Reverse matrix

2. Fitness

3. Kaiser-Meyer-Olkin

4. Extraction

5. Principal Axis Factoring (PAF)

6. Varimax rotation

7. Scree plot

8. Carlson

بهبود آن‌ها نیاز به انجام اصلاحاتی در آیتم‌ها است. این آیتم‌ها بیشتر در مؤلفه استدلال قرار دارند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان از کفایت لازم نسخه فارسی ابزار نقایص شناختی در جمعیت‌های ایرانی دارد. لذا از این ابزار می‌توان به‌عنوان ابزاری جهت سنجش نقایص شناختی در پژوهش‌ها و مجموعه‌های بالینی استفاده نمود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به عدم بررسی روایی تفکیکی اشاره کرد. از آنجایی که این پژوهش در شهرها و جمعیت‌های دانشجویی و با سطح تحصیلات بالا انجام گرفته است، مطالعات آتی در جمعیت‌های غیرشهری و روستایی می‌تواند به غنی‌تر شدن ادبیات این حوزه پژوهشی کمک کننده باشد. در کل نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن بود که ابزار نقایص شناختی اعتبار و روایی مناسبی داشته و می‌توان از آن در محیط‌های پژوهشی و درمانی استفاده کرد.

### منابع

- Adamovich, B. B., & Henderson, J. (1992). *Scales of Cognitive Ability for Traumatic Brain Injury (SCATBI)*. Illinois: Riverside.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th Ed.)*. Arlington, VA: American Psychiatric Publishing.
- Barrill- Burnstien, S. (1981). The update on advances in rehabilitation practices in traumatic brain injury. *Paper presented at the international Head Injury Symposium*, New Orleans.
- Barsalou, L. W. (2010). Grounded cognition: Past, present, and future. *Topics in Cognitive Science*, 2(4), 716-724.
- Beck, L. H., Bransome, E. D., Mirsky, A. F., Rosvold, H. E., & Sarason, I. A. (1956). Continuous performance test of brain damage. *Journal of Consultant Psychology*, 20(5): 343-50.
- Bentler, P. M. (1990). Comparative fit indexes in structural models. *Psychological Bulletin*, 107, 238-246.
- Bentler, P. M. (1990). Comparative fit indexes in structural models. *Psychological Bulletin*, 107, 238-246.
- Bentler, P. M., & Bonett, D. G. (1980). Significance tests and goodness-of-fit in the analysis of covariance structures. *Psychological Bulletin*, 88, 588-606.
- Blomberg, O. (2011). Concepts of cognition for cognitive engineering. *International Journal of Aviation Psychology*, 21 (1): 85-104.
- Brown, T. (2015). *Confirmatory factor analysis for applied research*. London: The Guilford Press.
- Burges, C. J. C. (1998). A tutorial on support vector

میزان مناسبی از هم قابلیت تفکیک دارند و می‌توان ماتریس مورد تحلیل استخراج کرد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت درحالی که مفاهیم و سازه‌های تعبیه‌شده در مقیاس هم به لحاظ مفهومی و هم آماری با هم در ارتباط هستند؛ ولی آیتم‌های تعبیه‌شده برای سنجش آن‌ها طوری تهیه‌شده است که امکان تشخیص و جداسازی آن‌ها از هم را فراهم ساخته است و آیتم‌ها توسط افراد گروه نمونه طوری پاسخ‌دهی شده است که هر گروه از آیتم‌ها به لحاظ مفهومی در ارتباط بیشتر با یکدیگر هستند، به لحاظ آماری نیز دارای قوی‌ترین روابط با همدیگر هستند. معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت (۱۹۵۰) هم نشان می‌دهد که ماتریس آیتم‌های قرارگرفته در مقیاس دارای روابط قوی و مناسبی هستند که می‌تواند منجر به استخراج مؤلفه‌هایی از ماتریس داده‌ها شود.

اگر آیتم‌های یک آزمون با هم همبستگی داشته باشند، ارزش آلفا افزایش می‌یابد؛ هرچند آلفای کرونباخ بالا لزوماً به معنای همسانی درونی بالا نیست. علت این امر هم آن است که آلفا تحت تأثیر طول آزمون قرار دارد. اگر طول آزمون کوتاه باشد، ارزش آلفا کاهش می‌یابد (استرینر، ۲۰۰۳؛ نانلی و برنشتاین، ۱۹۹۴). بنابراین، برای افزایش آلفا، آیتم‌های بیشتری که سازه مورد نظر را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهند، باید افزوده شوند. این امر نیز شایان ذکر است که آلفا تحت تأثیر نمونه آزمودنی‌ها قرار دارد؛ بنابراین محققان نباید تنها به برآوردهای آلفا اتکا کنند و باید هر زمانی که این آزمون را اجرا می‌کنند، آلفا را مورد اندازه‌گیری قرار دهند (استرینر، ۲۰۰۳). از آنجایی که دامنه ضرایب همسانی درونی بین ۰/۵۱ (ادراک و تمیز) تا ۰/۷۵ (یادآوری) است، این دامنه، ضرایب قابل‌قبولی برای یک آزمون غربالگری محسوب می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها از نظر انسجام درونی و روابط بین آیتم‌ها در وضعیت قابل‌قبولی قرار دارند (گیلفورد، ۱۹۵۴؛ ناتالی، ۱۹۸۶).

ضرایب همبستگی هریک از آیتم‌ها با نمره زیر مقیاس بین ۰/۲۴ (آیتم ۵ از استدلال) و ۰/۵۸ (آیتم ۸ از یادآوری) است. از آنجایی که هریک از این ضرایب نشانگر شاخص تمیز آیتم‌ها است (آلن و وین، ۱۳۸۴؛ سیف، ۲۰۰۷)، لذا این شاخص را می‌توان به‌عنوان میزان توانایی و حساسیت هر آیتم در تشخیص تفاوت‌های بین افراد دانست. از آنجایی که حداقل مقدار این شاخص ۰/۳۰ در نظر گرفته می‌شود، اکثر شاخص‌های حاصل در این دامنه قرار دارند. با این حال، تعداد معدودی از آیتم‌ها دارای شاخص پایین‌تری هستند که برای



rated and patient-rated functioning with neuropsychological test results. *Journal of the International Neuropsychological Society*, 10(4): 623-633.

Morris, R. & Ward, G. (2005). *The Cognitive Psychology of Planning* (New York, the Psychology Press).

Nunnally, J., & Bernstein, L. (1994). *Psychometric theory*. New York: McGraw-Hill Higher, INC.

Rosvold, H., Mirsky, A., Sarason, I., Bransome, E. D. Jr., & Beck, L. H. (1956). A continuous performance test of brain damage. *Journal of Consulting Psychology*, 20, 343 - 350

Saif, A. A. (2007). *Measurement and assessment in educational science*. Tehran: Payame Nour University

Shallice, T. (1982). Specific impairments of planning. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 298, 199-209.

Sharifi, H. (1998). *Psychometric and psychometric principles*. Tehran: Development Publications.

Shaw, R.E., & Cutting, J.E (1980). Clues from an ecological theory of event perception. In U. Bellugi & M. Studdert- Kennedy (Eds). *Signed and spoken language: Biological constraints on linguistic form*. Report of the Dahlem Workshop. Berlin, Germany, March 24- 28.

Sohlberg, M. M., & Mateer, C. A. (2001). Cognitive rehabilitation: an integrative neuropsychological approach.

SPSS Inc. (2016). *SPSS Statistical Algorithms*. Chicago: SPSS Inc

Steiger, J. H. (1990). Structural model evaluation and modification: An interval estimation approach. *Multivariate Behavioral Research*, 25, 173-180.

Streiner, D. (2003). Starting at the beginning: an introduction to coefficient alpha and internal consistency. *Journal of personality assessment*, 80, 99-103.

Stroop, J. (1935). Studies of interference in serial verbal reactions. *Journal of Experimental Psychology*, 18, 643-662.

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using multivariate statistics (4th Ed.)*. Boston, MA: Allyn and Bacon.

Tukey, J. W. (1977). *Exploratory data analysis*. Reading, MA: Addison- Wesley.

Wainer, H., & Kiely, G.L. (1978). Item cluster and computerized adaptive testing: A case for testlets. *Journal of Educational Measurement*, 24, 185- 201.

machines for pattern recognition. *International Conference on Data Mining and Knowledge Discovery*, pp. 121-167.

Carlson, N. R. (2009). *Psychology: the science of behaviour (4th Canadian Ed.)*. Toronto: Pearson.

Chapey R. (2008). *Language intervention strategies in aphasia and related neurogenic communication disorder*. fifth edition, Lippincott Williams Wilkins, Philadelphia.

Comrey, A. L. & Lee, H. B. (1992). *A first course in factor analysis*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Goerge, D., & Mallery, P. (2003). *SPSS for windows step by step: A simple guide and reference*. Boston: Allyn & Bacon.

Goldberg, M. C., Mostofsky, S. H., Cutting, L. E., Mahone, E. M., Astor, B. C., Denckla, M. B., et al. (2005). Subtle executive impairment in children with autism and ADHD. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 35, 279-293.

Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1988). Relation of sample size to the stability of component patterns. *Psychological bulletin*, 103, 265-275.

Hair, J. F., & Anderson, R. E., & Tatham, R. L., & Black, W. C. (1998). *Multivariate Data Analysis (Fifth Edition)*. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall, Inc.

Houman, H. A. (2001). *Multivariate analysis in behavioral research*. Tehran: Parsa Publications.

Howell, D. C. (2007). *Statistical Methods for Psychology (6th ed)*. Belmont, California: Duxbury Press.

Hu, L., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6, 1-55.

Joreskog, K. G., & Sorbom, D. (1996). *LISREL 8: user,s reference guide*. Chicago: Scientific Software International.

Kaiser, H. F. (1974). An index of factorial simplicity. *Psychometrika*, 39, 3 1-36.

Kanagaratnam, P. Asbjornsen, A. (2007). Executive deficits in chronic PTSD related to political violence. *Journal of Anxiety Disorders*, 21, 510-525.

Lezak, M. D. (1995). *Neuropsychological assessment*. Newyork: Oxford University Press.

Madrigal, R. & Hot, V. S. (2008). Cold cognitions and consumers' reactions to sporting event outcomes. *Journal of Consumer Psychology*, 18(4):304- 19.

Miotto, E. C., & Morris, R. G. (1998). Virtual planning in patients with frontal lobe lesions. *Cortex*, 34, 639-657.

Miranda R, Valderrama J, Tsypes A, Gadol E, & Gallagher M. (2013). Cognitive inflexibility and suicidal ideation: Mediating role of brooding and hopelessness. *Psychiatry Res*, pii: S0165-1781(13)00108-X.

Moritz, S., Ferahli, S., & Naber, D. (2004). Memory and attention performance in psychiatric patients: Lack of correspondence between clinician-